بانك‏هاى بزرگ و غول پيكر

 جك لويس××× (1) Jake Lewis: محقق و پژوهشگر برجسته مسايل بانكى و مالى ايالات متحده. ×××

چكيده:

در دو دهه اخير و در سايه سياست‏هاى پشت‏پرده مالى و پولى بانكداران آمريكايى، چند بانك بزرگ و ثروتمند آمريكايى، با سلطه بر بازار خدمات مالى‏و بانكى ايالات متحده، علاوه بر انحصارگرايى، موجب ورشكستگى بسيارى از مؤسسات كوچك شده‏اند. همچنين مديران اين بانك‏ها براى بقا علاوه‏بر حضور در بخش‏هايى نظير اسناد و اوراق بهادار، بيمه و سهام، تلاش مى‏نمايند تا با نفوذ در احزاب و لابى‏هاى سياسى، به اهداف پشت‏پرده خوددست يابند. فعاليت‏هاى غيرقانونى و مشاركت در سوء استفاده‏هاى مالى شركت‏هاى آمريكايى نيز جزء ديگر هزينه‏هاى سياسى و اقتصادى ادغام‏بانك‏هاى كوچك و تشكيل بانك‏هاى بزرگ و قدرتمند در صحنه اقتصاد آمريكاست.

بانك‏هاى تجارى ايالات متحده در بيست و پنج سال اخير مسيرى پر فراز و نشيب را طى نموده‏اند. آنان داراى سود مالى تثبيت شده، قدرتى شديداً روبه گسترش و وضعيت رو به نزول در دوره پس از ركود اقتصادى مى‏باشند. امروزه، اين صنعت در ميان راه تمركز گسترده منابع مالى قرار گرفته است.

با پايان اولين دوره رياست جمهورى پرزيدنت ريگان در سال 1984 ميلادى، در ايالات متحده 15/084 بانك تجارى و مؤسسه مالى و اعتبارى و در50 ايالت آن وجود داشتند. اما در پايان سال 2003 ميلادى، نيمى از اين بانك‏ها و مؤسسه‏هاى مالى و اعتبارى با ورشكستگى روبه‏رو شده‏اند. به عبارت‏ديگر، تعداد اين مؤسسات در سال 2003 ميلادى به 7842 بانك و مؤسسه اعتبارى كاهش يافته است. اكثريت اين ورشكستگى‏ها نيز به بانك‏هايى باكمتر از 1 ميليارد دلار دارايى تعلق داشته كه ناگزير مجبور به ادغام و يا واگذارى در بانك‏هاى غول‏پيكر گرديده‏اند.

در چند دهه اخير، بيشترين نرخ ورشكستگى بانك‏ها به دوره پنج ساله 1987 تا 1991 ميلادى باز مى‏گردد و در نتيجه، شركت‏هاى بيمه ايالات متحده‏مجبور به اعطاى نيم تريليون دلار خسارت به اين مؤسسات شدند، به‏طورى كه كنگره آمريكا به صورت اضطرارى دستور اعطاى يك كمك 30 ميليارددلارى به اين مؤسسات بيمه‏گر را صادر نمود.

همراه با كاهش تعداد بانك‏ها و مؤسسات اعتبارى ايالات متحده در دوره 1984 تا 2003 ميلادى، دارايى‏هاى اين مراكز با رشد همراه بود. در طول اين‏دوره 20 ساله، دارايى‏هاى اين مؤسسات فعال در صنعت بانكدارى تقريباً دو برابر شد و به رقم 9/1 تريليون دلار در آغاز سال 2004 ميلادى رسيد.رشد سريع ادغام‏ها و اتحادهاى اين مراكز هم در اين دوره به بيشترين سطح خود رسيد تا روند متمركز شدن اين بانك‏ها و مؤسسات سرعت گيرد.

به علاوه، در خلال اين دوره 20 ساله، سهم دارايى‏هاى مؤسساتى با بيش از 10 ميليارد دلار دارايى، در ميان كل اين مراكز مالى و اعتبارى از 42% درسال 1984 ميلادى به 73% در پايان سال 2003 ميلادى افزايش يافت. در همين حال، در اين صنعت، سهم بانك‏ها و مؤسسات مالى با دارايى‏هاى‏كمتر از 1 ميليارد دلار، از 28% كل اين مراكز به 14% در پايان اين دوره كاهش يافت.

نتايج اين تغييرات باعث شد كه صنعت بانكدارى ايالات متحده در دستان گروه كوچكى از مديران بانك‏هاى بزرگ و غول‏پيكر قرار گيرد. چهار بانك‏بزرگ ايالات متحده يعنى بانك آمريكا فيلت، سيتى گروپ، جى‏پى مورگان، بانك وان و ولز فارگو، تقريباً يك چهارم كل سپرده‏هاى مردم آمريكا را دراختيار داشتند. به علاوه، 25 بانك برتر اين كشور نيز تقريباً نيمى از كل اين سپرده‏ها را در اختيار داشتند. در واقع، امروزه با ادغام «بانك آمريكا» و«فليت»، قانون ممنوعيت تملك بيش از 10% كل يك بازار از سوى يك مركز، نقض شده است. لذا بايد اين بانك به دنبال اتخاذ سياست‏ها و روش‏هايى‏باشد كه مشمول اين ممنوعيت نگردد.

پيوند نزديك دو بخش بانكى و مالى در ايالات متحده

اما بزرگ‏تر بودن به تنهايى كافى نيست، لذا بانك‏هاى بزرگ تلاش مى‏كنند تا با حضور در دو بخش فعاليت‏هاى بيمه و اوراق بهادار، بر قدرت خويش‏بيافزايند. هرچند اين فعاليت‏ها نيز با قانون جداسازى فعاليت‏هاى بانكى و مالى مصوبه سال 1929 ميلادى مغاير است، اما در سال‏هاى اخير،تلاش‏هاى حقوقى زيادى انجام گرديد تا اين قانون مورد تجديدنظر قرار گيرد و سرانجام نيز علاوه بر امكان فعاليت سراسرى بانك‏ها در كل خاك‏آمريكا، اين مؤسسات اجازه يافتند تا از سال 1998 ميلادى، به فعاليت‏هاى بيمه‏اى نيز بپردازند.

در سال 1999 ميلادى و در سايه مقررات‏زدايى، بانك‏هاى ايالات متحده به قدرتى دو چندان در صحنه اقتصادى آمريكا دست يافتند. به علاوه، بانك‏هااز اين سال به فعاليت‏هاى تجارى نيز مشغول گرديدند.

البته در اين ميان نبايد از كمك‏هاى مالى مؤسسات بانكى و بيمه‏اى به احزاب مطرح آمريكايى غافل شد زيرا تنها در سال‏هاى 1997 و 1998 ميلادى،اين مراكز 58 ميليون دلار به نامزدهاى انتخابات كنگره، 87 ميليون دلار به دو حزب جمهورى‏خواه و دموكرات و در نهايت 163 ميليون دلار به سايرفعاليت‏هاى حزبى و سياسى ديگر اين كشور، كمك مالى نموده‏اند.

لذا بى‏شك، اين كمك‏ها به بهبود قوانين و مقررات حاكم بر بخش‏هاى بانكى و مالى ايالات متحده، كمك شايانى نموده تا در سايه شعار «مدرن نمودن‏فعاليت‏هاى مالى»، اين مراكز بزرگ بانكى و مالى به اهداف خويش دست يابند.

اما منتقدان معتقدند كه در سايه اين تغييرات، علاوه بر امكان سوء استفاده از امنيت و اسرار فردى و تجارى مشتريان، كل سيستم بانكدارى بانك‏هاى‏مختلف در كنترل مطلق بانك مركزى آمريكا يا «فدرال رزرو» قرار خواهد گرفت. به عنوان مثال در مورد رسوايى شركت نفتى «اِنرون» مشخص گرديد كه‏اين بانك‏ها با مشاركت در سوء استفاده‏ها و كلاه‏بردارى‏هاى مالى، درصدد كسب سود بيشتر براى خود و كاهش سود رقباى خود بوده‏اند. لذا بسيارى ازكارشناسان برداشتن مرزهاى پيشين بين فعاليت‏هاى بانكى و مالى را از دلايل اصلى گسترش زد و بندها و تخلفات مالى كنونى مى‏دانند.

سناتور كارل لوين عضو كميسيون سرمايه‏گذارى مجلس سناى ايالات متحده در سال 2002 ميلادى، نقش بانك‏ها را اين‏گونه مشخص مى‏كند:«دلايل مختلف نشان مى‏دهد كه دو بانك «سيتى گروپ» و «چيس»، شركت انرون را در اين مبادلات غيرقانونى يارى داده‏اند، هرچند آنان از اقدامات‏تقلب‏كارانه شركت انرون در دستكارى حساب‏ها و فرار از پرداخت ماليات و تغيير در حساب‏هاى مالى در جهت پرداخت ماليات كمتر، آگاه بوده‏اند. البته‏مديران اين دو بانك بابت فعاليت‏ها و همكارى‏هاى غيرقانونى خود، مبالغ زيادى نيز دريافت نموده‏اند و يا در ساير بخش‏ها از كمك‏هاى شركت انرون‏بهره‏مند شده‏اند.»

هر دو اين بانك‏ها، ميلياردها دلار براى تأمين مالى پروژه‏هاى مختلف صنعتى شركت بزرگ انرون سرمايه‏گذارى نموده‏اند و البته به قول يكى از افرادآگاه، آنان در سوزاندن اسناد و مدارك فريب‏كارى‏هاى انرون نيز سهيم بوده‏اند؛ البته به خاطر داشته باشيد كه هر دو اين بانك‏ها، جزء مراكز بانكى اصلى‏و پيشرو ايالات متحده در تغيير قوانين بانكدارى گذشته حاكم بر بانك‏هاى آمريكا بوده‏اند.

در پايان باز هم به صحبت‏هاى سناتور لوين نگاهى بياندازيم: «هم اينك نيز ما شاهد يك شكاف قانونى در اين زمينه هستيم.»

هرچند سه سال قبل، كنگره آمريكا و همنوا با نمايندگان ما، رسانه‏هاى جمعى آمريكا با خوشحالى اظهار مى‏نمودند كه بالاخره قوانين و مقررات مالى مامدرنيزه شدند.

منبع: WWW.multinational monitor.org